

تأثیر کسب و کارهای خانگی بر توانمندی اجتماعی زنان روستایی

حشمت‌اله سعدی^۱، سارا جلیلیان^{۲*}، احمد یعقوبی‌فرانی^۳

چکیده

هدف اصلی از این تحقیق بررسی تأثیر کسب و کارهای خانگی بر توانمندی اجتماعی زنان روستایی شهرستان اسلام‌آبادغرب است. روش تحقیق از نوع پیمایشی بوده و ابزار گردآوری اطلاعات به صورت پرسشنامه و همگام با مصاحبه بوده است. جامعه آماری تحقیق شامل ۲۶۵ نفر از زنان روستایی که دارای کسب و کار خانگی می‌باشد که ۱۶۱ نفر از آنان (براساس فرمول کوکران) به عنوان نمونه انتخاب شدند. روایی ابزار تحقیق توسط متخصصین تأیید گردید و جهت تعیین پایایی ابزار، از محاسبه ضریب آلفای کرونباخ استفاده شد که مقدار آن برای بخش‌های مختلف بطور میانگین در حد ۰/۹۲ بود. جهت انجام آزمون‌های آماری از نرم‌افزار SPSS و آزمون‌های نیکویی برازش و مدل‌سازی معادلات ساختاری، از نرم افزار لیزرل (Lisrel)، استفاده شده است. نتایج تحقیق نشان داد که مدل طراحی شده معادلات ساختاری برای توانمندسازی زنان روستایی منعکس‌کننده یک برازش مطلوب و در حد انتظار می‌باشد. علاوه بر این یافته‌های تحقیق حاکی از آن است که توانمندی اجتماعی ۶۳/۳ درصد از زنان در حد بالایی است. هم‌چنین توانمندی اجتماعی با نوع کسب و کار خانگی ارتباط معنادار دارد.

واژه‌های کلیدی: توانمندی اجتماعی، شهرستان اسلام‌آبادغرب، زنان روستایی، کسب و کار خانگی.

^۱ دانشیار ترویج کشاورزی، دانشگاه بوعلی سینا، همدان

^۲ کارشناس‌ارشد ترویج و آموزش کشاورزی، دانشگاه بوعلی سینا، همدان.

^۳ استادیار ترویج و آموزش کشاورزی، دانشگاه بوعلی سینا، همدان

*- نویسنده مسئول مقاله: sjalilian68@yahoo.com.

مقدمه

امروزه توانمندسازی به یکی از مفاهیم اصلی توسعه پایدار تبدیل شده است. رابطه توانمندسازی با توسعه پایدار را می‌توان به سه شیوه بررسی کرد: ۱. توانمندسازی از اجزای توسعه پایدار است؛ ۲. توانمندسازی عامل توسعه پایدار تلقی می‌شود؛ و ۳. توانمندسازی معلول توسعه پایدار به حساب می‌آید (Mirzaei et al, 2010; P 100). بر همین اساس دستیابی به توسعه پایدار بدون توانمندسازی روستاییان امکان پذیر نیست. در رویکردهای توسعه، به جای توجه به افزایش شاخص‌های رشد اقتصادی، به افزایش فرصت‌های عمومی و نقش‌آفرینی گروه‌های مختلف اجتماع توجه می‌شود و توسعه پایدار یک اجتماع حاصل مشارکت همه اقشار می‌باشد، البته این مشارکت نیز در گرو توجه به نیازها و مسائل اقشار مختلف جامعه و به طور کلی توجه به توانمندی آنهاست. بنابراین تواناسازی یک مسئله توسعه‌ای است؛ به گونه‌ای که، زنانی که توانا می‌شوند قادر به عمل در جنبه‌های گسترده‌تری هستند و ایفای نقش فعال‌تری در تمامی جنبه‌ها برای تغییر در راه‌های گوناگون خواهند بود (Zmany Myandshty et al, 2012. P 155). در واقع ارزش‌های اصلی توسعه پایدار را باید در ارتقای کیفیت زندگی، یعنی توانمندسازی زنان و مردان در تامین نیازهای اساسی، تلاش در جهت رفع اختلاف طبقاتی در جوامع، رشد آگاهی عمومی، اعتماد به نفس و اعتقاد عامه مردم به اهداف توسعه و حفظ امنیت و آزادی جستجو کرد (Mirzaei et al, 2010).

طبق تحقیقات انجام شده در کشورهای در حال توسعه، زنان در اجتماعات روستایی نقشی حیاتی ایفا می‌کنند، اما واقعیت این است که توانایی آنان به میزان بسیار کمتری ارزش‌گذاری شده است و از توانایی‌های زنان روستایی برای بهتر ساختن زندگی خود، خانواده و اجتماع به درستی استفاده نشده است (Koeing et al, 2003). درباره‌ی مفهوم توانمندسازی تعاریف متعددی ارائه شده است. توانمندسازی توسط عده‌ای از صاحب‌نظران به عنوان تحول درونی فرد تعریف می‌شود که با ایجاد اعتماد به نفس آغاز می‌شود و به سرعت به احساس خودارزشمندی فرد تبدیل می‌شود که موجب موفقیت شخصی وی می‌شود (Wilson, 1996)؛ هدف این نوع توانمندسازی افزایش پتانسیل افراد برای تغییر خود می‌باشد (Kyem, 2004).

با توجه به این که توانمندسازی زنان روستایی یکی از مهم‌ترین سیاست‌های توسعه روستایی در عصر حاضر است؛ از سیاست‌های مختلفی برای ارتقاء سطح توانمندی اجتماعی زنان روستایی بهره می‌گیرد که ایجاد کسب و کارهای خانگی یکی از آنهاست. به گونه‌ای که امروزه توانمندسازی یکی از نویدبخش‌ترین مفاهیم دنیای کسب و کار است. در تعریفی ساده به هر نوع فعالیت اقتصادی در محل سکونت شخصی که با استفاده از امکانات و وسایل منزل راه اندازی شود کسب و کار خانگی می‌گویند (Larjani and Shabannejad, 2010).

می‌توان گفت فعالیت در این عرصه علاوه بر کنترل بیکاری و ایجاد اشتغال می‌تواند به افزایش اعتماد به نفس، خود اتکایی و نهایتاً توانمندشدن جامعه روستایی منجر می‌شود. به لحاظ نظری اهمیت کسب و کارهای کوچک و متوسط مورد پذیرش عموم صاحب‌نظران توسعه روستایی قرار گرفته اما بسیاری از کشورها قادر به ایجاد زیر ساخت‌های لازم برای توسعه این مشاغل نیستند (Gibosen & Olivio, 2010)؛ ایران نیز از این قاعده مستثنی نیست. گرچه مطالعات جامعی در این خصوص صورت نپذیرفته است؛ اما با این وجود نتایج مطالعات پراکنده حاکی از موفقیت تاثیر این نوع کسب و کارها در توانمندی اجتماعی زنان روستایی دارد. لذا این تحقیق با هدف بررسی تاثیر کسب و کارهای خانگی بر توانمندی اجتماعی زنان روستایی شهرستان اسلام آباد غرب صورت گرفته است.

طبق نظر تئوریسین‌های پیشگام نظریه توانمندسازی، این نظریه پنج مرحله از برابری بین مردان و زنان را در بردارد و معیارهای آن عبارت از رفاه، دسترسی به منابع، آگاهی، مشارکت و کنترل می‌باشد (Shojaei, 2002). نظریه توانمندسازی^۲ بر این نکته تاکید دارد که زنان نه تنها باید نابرابری‌های موجود، بلکه ساختارهای مولد نابرابری را در سطوح گوناگون و همزمان زیر سوال برده و با آن مبارزه کنند. این نظریه بیش‌تر لحاظ کردن توان زنان را در جهت افزایش اتکاء به خود و قدرت درونی تعریف می‌کند و در پی توانمندسازی زنان از راه توزیع مجدد قدرت در داخل خانواده و در جامعه است (Rezaee, 2001).

در خصوص مفهوم توانمندسازی تعاریف متفاوتی ارائه شده است که این امر را می‌توان ناشی از دو عامل مهم دانست: نخست، چند بعدی بودن این مفهوم؛ و دوم، کاربرد آن در حوزه‌های مختلفی چون مدیریت، روان‌شناسی، جغرافیا، کشاورزی، جامعه‌شناسی و حوزه‌های دیگر. شادی‌طلب (Shaditalab, 2002) نیز توانمندسازی را فرایندی می‌داند که به واسطه آن مردم به سطحی از توسعه فردی دست می‌یابند که با آن، امکان انتخاب براساس خواسته‌هایشان فراهم می‌گردد. به اعتقاد سن (Sen, 1999) توانمندسازی نوعی آزادی است که هم ابزار است و هم هدف غایی؛ یا به عبارتی، آزادی دستیابی به ترکیب‌های متفاوتی از عملکردهاست. از دید وی آزادی دستیابی به شیوه‌های گوناگون زیستن است و توانمندی نیز بر گسترش این آزادی‌ها برای انسان، به گونه‌ای که بتواند به همان شیوه که ارزشمند می‌شمارد زندگی کند، تاکید می‌ورزد. ماگار (Magar, 2003) نیز معتقد است که ارتقاء سطح توانمندی زنان توسط رویکردهای سازمان‌های غیردولتی، عامل مهمی در زندگی آن‌ها است. به گونه‌ای که سه اقدام مستقیم برای اندازه‌گیری توانمندی‌ها مهم هستند:

1. Criteria of empowerment theory

2. Empowerment theory

الف) وجود یک فرصت برای انتخاب

ب) شخص یا گروهی که این فرصت را برای انتخاب دارد.

ج) نتیجه مورد انتظاری که این انتخاب به ارمغان می‌آورد (World bank, 2005).

برطبق نظریه سقف شیشه‌ای دو دسته عوامل بر عدم پیشرفت شغلی زنان و عدم توانمندسازی آن‌ها تاثیرگذارند. دسته نخست عوامل سازمانی مانند قوانین دولتی، ویژگی‌های شغلی، محیط کاری و تجربه کاری است. دسته دوم موانع نگرشی مانند ارزش‌ها و باورهای اجتماعی، کلیشه‌ها و تعصبات آگاهانه و ناآگاهانه که در ذهن مردم ایجاد شده است. در واقع عوامل نگرشی به نوعی معادل حوزه‌ی نظام فرهنگی مطرح در نظریه پارسنز می‌باشد (Zahedi, 2007)؛ در این راستا توجه به مقوله کارآفرینی و نقش کسب و کارخانگی در ارتقای توانمندسازی زنان به عنوان مهم‌ترین راهکار اشاره می‌شود.

بررسی مطالعات انجام شده در حوزه کسب و کارها و به خصوص کسب و کارهای خانگی زنان نشان می‌دهد که در غالب موارد، بعنوان یک ظرفیت مناسب و به تبع آن ایجاد پیامدها و آثار زیادی برای آنان شده است. ایجاد این کسب و کارها موجب ارتقای عزت‌نفس، کسب وجهه، منزلت اجتماعی، تعامل اجتماعی و مشارکت (از فاکتورهای توانمندی اجتماعی) می‌شود (Tabatabaei, 2005)؛ (Yahya-Abadi and Hosseinian, 2005)؛ (Shaditalab et al, 2005)؛ (Amyny Ykhdany, 2009)؛ (Hydry Sarban, 2009). از لحاظ اجتماعی و روانی توسعه کسب و کارخانگی در روستا باعث افزایش رفاه ذهنی و عینی روستاییان و بالارفتن سطح زندگی آنان، افزایش اعتماد و گسترش روابط اجتماعی می‌شود که نتیجه آن افزایش توانمندی اجتماعی و روانی روستاییان است (Rezvani et al, 2010; Sadeghi, 2001).

بررسی عرب مازار و سعدی (ArabMazar and Saadi, 2005) نشان داد، اجرای طرح‌های اشتغال‌زای روستایی ضمن بهبود وضعیت اقتصادی زنان روستایی، خودباوری و اعتماد به نفس را در جامعه هدف ایجاد نموده است. آگهی و همکاران (Agahi et al, 2012) در مطالعه خود به این نتیجه رسیدند که انگیزه کسب احترام و پایگاه اجتماعی باعث می‌شود که زنان به سمت مشاغل و کسب و کارهای کوچک بروند است. آبراهام (Abraham, 2011) در پژوهش خود با عنوان اندازه‌گیری توانمندسازی اجتماعی کشاورزان در هند به این نتیجه دست یافت که اعضای مسن‌تر، بیش‌تر توانمند هستند. کرد و عابسی (Kord and Absy, 2009) نیز در تحقیقی نتیجه گرفتند که تاثیر متغیرهای تعهد، سازگاری و مشارکت روی توانمندسازی به صورت مستقیم و ارتباطات، آموزش، حقوق و دستمزد بر توانمندسازی به صورت غیرمستقیم می‌باشد. در تحقیق کتابی و دیگران (Ketabi et al, 2003) نیز یافته‌ها نشان داد که افزایش سطح تحصیلات، دسترسی به منابع مالی، بهبود وضع سلامت، برخورداری از حق مالکیت قانونی، رفع تبعیض از بازار کار و حذف

باورهای سنتی جامعه در خصوص اشتغال زنان، عوامل موثر در تسهیل فرآیند توانمندسازی زنان هستند.

پژوهش هاشمی و پورامین‌زاد (Hashemi and Pvrarmyn Zad, 2011) نتایج نشان داد زنان فعال در حوزه کسب و کار خانگی با شبکه‌ی اولیه ارتباطی رابطه‌ی قوی دارند. نتایج تحقیق احمدی و همکاران (Ahmadi et al, 2009) نشان می‌دهد که، کسب و کارهای خانگی در کاهش افسردگی و اختلالات روانی زنان از طریق پر کردن اوقات بیکاری آنان و بروز آسیب‌های اجتماعی ناشی از بیکاری، موثر است. در این راستا، نتایج پژوهش داورخانی (Dadvrkhany, 2006) نشان داد که بدون شک اشتغال زن روستایی به ارتقاء سطح زندگی خانوار روستایی منجر می‌شود. در این راستا، انجذاب و همکاران (Anjezab et al, 2003) در پژوهش خود نتیجه گرفتند که تغییر رفتارهای اقتصادی زنان به رشد اقتصادی خانوار، ارتقاء نقش و پایگاه اجتماعی زنان سرپرست خانوار و افزایش اعتماد به نفس و عزت نفس آنان از نتایج اجرای طرح ایجاد مشاغل خرد برای زنان روستایی است.

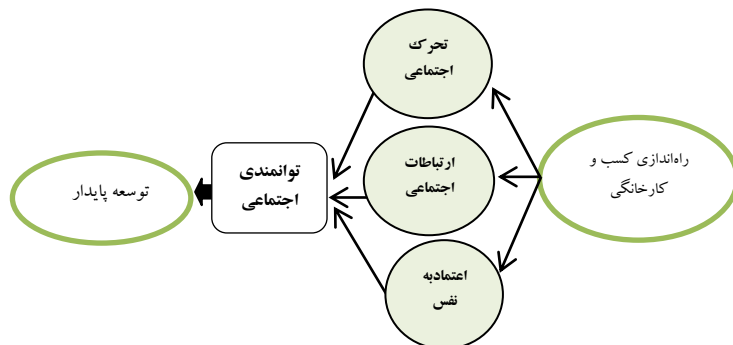
نتایج پژوهش سعدی و چام‌چام (Saadi and Cham-Cham, 2009) نشان داد که مهم‌ترین نقش کسب و کارهای کوچک زنان احساس مفید بودن و دستیابی به اعتمادبه نفس برای رو به رو شدن با مسائل است. آلسوپ و همکاران (Alsop et al, 2005)، نیز در پژوهشی نتیجه گرفتند که یکی از شاخص‌هایی که بطور مستقیم توانمندی را می‌سنجند و بر آن نیز تأثیر می‌گذارد توانایی کنترل انتخاب‌های مهم زندگی و شرکت در تصمیم‌گیری‌های اجتماعی است. نتایج مطالعه لی (Lee, 1995) نشان داد که زنان شاغل در مشاغل روستایی بخشی از دستمزد خود را به خانواده‌ها منتقل می‌کنند. این مهم می‌تواند برای آن‌ها ایجاد غرور نموده و از این مشارکت مالی احساس لذت می‌برند.

شارما و کانتا وارما (Sharma and Kanta Varma, 2008) در پژوهش خود نتیجه گرفتند که مشارکت زنان در فعالیت‌های تولیدی درآمدزا، به طور کلی به توانمندسازی زنان در ابعاد مختلف کمک می‌کند. کرول (Croll, 1987) نیز در پژوهشی دریافتند که در خانواده‌هایی که زنان فعالیت اقتصادی دارند تمایل بی‌چون و چرا به فرمانبرداری از خانواده شوهر کمتر است و زنان به عزت نفس می‌رسند. در مطالعه‌ای رانی موهانتی و همکاران (Rani Mohanty et al, 2013) نشان دادند که برنامه‌های کوچک تأثیر بیش‌تری بر روی هر دو جنبه اجتماعی و اقتصادی زنان روستایی در ادیسا داشته است. قلی‌پور و رحیمیان (Gholipour and Rahimian, 2009) نیز در پژوهشی به این نتایج رسیدند که آموزش و طرح‌های خوداشتغالی موجب بروز احساس توانمندی در زنان سرپرست خانوار می‌شود. چامپاتی‌رودسوتی (Champathes Rodsutti, 2003) در مطالعه‌ای در

زمینه کسب و کار خانوادگی در تایلند، به این نتیجه دست یافت که کسب و کار خانوادگی بر شش عامل ارتباطات، تولید، مالکیت، ساختار خانواده، سیاست و فرهنگ ملی تاثیر گذار است. از دیدگاه علیائی و دهقان نیستانکی (Olyaey and Dehghan Neyestanaki, 2012)، هر چه توانمندی‌های زنان بالاتر رود، موجب افزایش قدرت اقتصادی خانواده گردیده و از طرفی نیز قدرت اجتماعی آنان در سطح جامعه و خانواده بیش تر می‌گردد، تحقق این امر مستلزم بالا بردن سطح آموزش حرفه‌ای و تحصیلات آنان است که نیاز به مدیریتی با جهت‌گیری مثبت در مورد ارتقاء جایگاه واقعی آنان است.

هم‌چنین، با توجه به نتایج پژوهش سعدی و همکاران (Saadi et al, 2012)، تقویت شاخص‌هایی که بر توانمندی اقتصادی و اجتماعی زنان موثر هستند، به ویژه شاخص‌های دسترسی به مواد اولیه و دانش تخصصی از طریق برگزاری دوره‌های آموزشی به منظور افزایش توانمندی آن‌ها، ضروری است. در تحقیق هوکو و ایتوها (Hoque and Itohara, 2008) نیز نتایج نشان داد متغیرهای میزان درآمد، میزان آموزش، مهارت‌ها و مشارکت نهادی زنان نقش اساسی را در افزایش مشارکت آن‌ها در فعالیتهای اقتصادی دارند.

نتایج پژوهش امینی و احمدی‌شاپورآبادی (Amini and Ahmadi Shapurabadi, 2007) نشان داد که زنان روستایی شاغل در گروه‌های شغلی مختلف، از نظر خوداتکایی، وضعیت مشابه ندارند. در مورد ارتباط بین شغل، درآمد، تحصیلات و توانمندی، مشخص گردیده است که افراد شاغل و دارای درآمد و تحصیلات بالا توانمندی بیش‌تری نیز دارند (Kabeer, 2005). در این راستا، نتایج پژوهش ساعی‌ارسی و ولی‌پور (Saey Arsy and Valipur, 2009) نیز نشان داد که تحصیلات و عامل اقتصادی نقش کلیدی در توانمندسازی زنان دارند. اما مرادی (Moradi, 2010) طی مطالعه‌ای نشان داد که سطح تحصیلات و وضعیت تاهل با توانمندی زنان مورد مطالعه ارتباط معنادار و قابل تاملی نداشته است. همان‌گونه که شکل (۱) که در واقع مدل تحقیق است نشان می‌دهد توانمندی اجتماعی زنان از آن جهت اهمیت دارد که منجر به شکل‌گیری توسعه پایدار می‌شود. به عبارتی توانمندی اجتماعی زنان با افزایش میزان تحرک اجتماعی، ارتباطات و اعتماد به نفس آنان باعث اصلاح رفتار آن‌ها در چارچوب سیاست‌های توسعه پایدار خواهد شد و این خود تحت تاثیر راه‌اندازی کسب و کارهای خانگی است.



شکل (۱): مدل مفهومی تحقیق

روش تحقیق

این تحقیق از نظر ماهیت کمی، از نظر میزان و کنترل متغیرها از نوع غیرآزمایشی، به لحاظ هدف در زمره پژوهش‌های کاربردی، و به لحاظ گردآوری داده‌ها پیمایشی است؛ که با هدف بررسی تاثیر کسب و کارهای خانگی بر توانمندی اجتماعی زنان روستایی شهرستان اسلام آبادغرب انجام شد. جامعه آماری پژوهش را ۲۶۵ نفر از زنان روستایی دارای کسب و کار خانگی تشکیل می‌دهند که بر مبنای فرمول کوکران ۱۶۱ نفر از آن‌ها به صورت تصادفی و با روش نمونه‌گیری طبقه‌ای انتخاب شدند. داده‌ها با استفاده از پرسشنامه جمع‌آوری شد. ابزار تحقیق پرسش‌نامه‌ی طراحی شده توسط محقق بوده و در راستای هدف کلی و بر پایه‌ی چارچوب نظری تحقیق تدوین شده است. روایی ابزار تحقیق توسط اساتید متخصص مورد تایید قرار گرفته و پایایی یا قابلیت اعتماد ابزار تحقیق نیز با انجام یک پیش‌آزمون و با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ مورد آزمون قرار گرفت. به‌گونه‌ای که ضریب آلفای بدست آمده (۰/۹۲ = درصد) نشان‌دهنده قابلیت اعتماد و پایایی ابزار تحقیق بود. پرسشنامه‌ی پژوهش شامل دو بخش است: بخش اول؛ برای جمع‌آوری اطلاعات فردی و حرفه‌ای زنان مورد مطالعه و بخش دوم پرسشنامه شامل شاخص‌های مربوط به سنجش توانمندی اجتماعی. شاخص توانمندی اجتماعی با جمع سه مولفه تحرک اجتماعی، مشارکت اجتماعی و اعتماد به نفس مورد مطالعه قرار گرفته است. با توجه به ماهیت پژوهش، در مطالعه‌ی حاضر داده‌ها توصیف و تحلیل شدند؛ به منظور تجزیه و تحلیل داده‌های گردآوری شده از نرم افزار SPSS استفاده شد.

در تحلیل داده‌ها به ویژه از مدل‌سازی معادلات ساختاری بهره‌گرفته شده است. مدل‌سازی معادلات ساختاری یک روش آماری منسجمی است که به تحلیل روابط بین متغیرهای مشاهده شده و متغیرهای نهفته می‌پردازد (Hoyle, 1995). الگوسازی لیزرل به نوعی شبیه رگرسیون چندگانه

است که از این نوع مدل سازی (معادلات ساختاری) به عنوان روشی قدرتمند جهت ارزیابی تعامل بین متغیرها، روابط غیرخطی بین آنها، روابط بین متغیرهای مستقل، لحاظ کردن خطاهای اندازه گیری، میزان همبستگی بین خطاهای اندازه گیری، و نیز متغیرهای مکنون چندگانه مورد استفاده قرار می گیرد. این مدل ها فرض می کنند که چگونه مجموعه ای از متغیرها و سازه ها تعریف شده و چگونه این سازه ها با یکدیگر مرتبط اند. هدف تحلیل مدل سازی معادله ساختاری این است که معین کند مدل نظری تا چه حد به وسیله داده های نمونه ای حمایت می شود. در نتیجه مدل سازی معادلات ساختاری، مدل های نظری را با استفاده از روش علمی آزمون فرضیه، می آزماید تا فهم ما را از روابط پیچیده میان سازه ها توسعه بخشد. هدف اولیه از به کارگیری مدل سازی معادله ساختاری یافتن یک مدل نظری به لحاظ آماری معنادار، برای آزمون نظریه هاست. معیارهای برازش کلی مدل شامل شاخص نیکویی برازش (جی اف آی)، شاخص نیکویی برازش اصلاح شده (ای جی اف آی) و غیره می باشند (Ghasemi, 2009).

یافته های تحقیق

نتایج بدست آمده نشان داد که سن جامعه مورد مطالعه بین ۱۷ تا ۷۵ سال متغیر بوده (میانگین ۳۴/۵۲۸ و انحراف معیار ۹/۳۲). سطح تحصیلات بیش تر آنها دیپلم (۴۱ درصد) و کمتر از ۲/۵ درصد بی سواد می باشد. از مجموع جامعه مورد بررسی ۳۶/۶ درصد مجرد، ۵۴/۷ درصد متأهل، ۱/۹ مطلقه درصد و ۶/۸ درصد بیوه می باشند. از بین زنان مورد مطالعه ۱۶/۸ درصد دارای کسب و کار خانگی در بخش کشاورزی، ۱۳/۷ درصد در بخش دامی و ۵۰/۳ درصد در بخش صنعت می باشند به گونه ای که زنان روستایی مورد مطالعه دارای کسب و کارهای خانگی در بخش صنعت بیش ترین فراوانی و در بخش دامی کمترین فراوانی را به خود اختصاص داده اند. مدت زمان فعالیت زنان دارای کسب و کار خانگی مورد بررسی، بین ۱ تا ۲۰ سال متغیر بوده است (میانگین آن حدود ۵/۲۷ سال و انحراف معیار: ۵/۰۰۷). که در این رابطه، بیش ترین فراوانی مربوط به افرادی است که سابقه فعالیت آنها کمتر از ۵ سال (۶۸/۹ درصد) و کمترین فراوانی مربوط به افراد با سابقه بیش از ۲۱ سال (۳/۱ درصد) هستند.

– ارزیابی و تعیین سطح توانمندی اجتماعی

همان گونه که گفته شد توانمندی اجتماعی مشتمل بر سه مولفه تحرک اجتماعی، مشارکت اجتماعی و اعتماد به نفس است. در این پژوهش با جمع این سه مولفه، سطح توانمندی اجتماعی زنان مورد بررسی، مطالعه شد. به منظور سنجش توانمندی اجتماعی زنان روستایی مورد مطالعه از روش انحراف از میانگین^۱ جهت طبقه بندی و امتیازدهی به هریک از شاخص ها استفاده شده است و

^۱. Interval of Standard Deviation from the Mean (ISDM)

سپس با حاصل جمع امتیازها، میزان توانمندی اجتماعی در حد کم، متوسط، زیاد و خیلی زیاد ارزیابی شده است. این گروه‌بندی براساس میانگین و انحراف معیار با استفاده از فرمول‌های زیر بدست آمده است (Seddighi & Rosta, 2003):

$$A < \text{Mean} \pm \text{St.d} : A = \text{کم}$$

$$\text{Mean} \pm \text{St.d} < B < \text{Mean} + \text{St.d} : B = \text{متوسط}$$

$$\text{Mean} < C < \text{Mean} + \text{St.d} : C = \text{زیاد}$$

$$\text{Mean} + \text{St.d} < D : D = \text{خیلی زیاد}$$

- میزان ارتباط (مشارکت) اجتماعی زنان روستایی

در راستای تعیین سطح میزان توانمندی اجتماعی زنان، ارتباطات اجتماعی آنان نیز مورد بررسی قرار گرفت. ارتباط با همسایگان، شرکت در جلسه‌های مذهبی و دینی و ارتباط با خانه بهداشت سه متغیری هستند که به ترتیب اولویت بیش‌ترین تاثیر و اهمیت را در میزان ارتباطات زنان مورد مطالعه داشتند. و در مقابل متغیرهای شرکت در جلسات عمومی، ارتباط با تعاونی روستایی و ارتباط با مروجان و کارشناسان کشاورزی کمترین تاثیر را در میزان ارتباطات افراد مورد مطالعه داشتند و در اولویت پایین‌تری قرار گرفتند. در مجموع نتایج حاکی از آن است که حدود ۲۷/۴ درصد افراد مورد مطالعه، از سطح ارتباطات در حد خوب و عالی، و حدود ۶۲/۷ درصد افراد مورد مطالعه از سطح متوسطی برخوردار می‌باشند (جدول، ۱).

- میزان تحرک اجتماعی زنان روستایی

به‌منظور تعیین سطح توانمندی اجتماعی زنان روستایی، میزان تحرک (آزادی) اجتماعی آنان نیز مورد بررسی قرار گرفت. تحرک اجتماعی به معنای میزان آزادی در رفت و آمد تعریف می‌شود. نتایج حاکی از آن است که متغیرهای مراجعه به خانه بهداشت، ملاقات دوستان و یا آشنایان از اولویت بالاتری برخوردارند؛ و بیش‌ترین تاثیر را در تحرک اجتماعی زنان مورد مطالعه داشتند. با توجه به نتایج کاربرد روش انحراف از میانگین مشخص گردید، در مجموع حدود ۵۷/۱ درصد افراد مورد مطالعه، از تحرک اجتماعی در حد خوب و عالی و حدود ۲۷/۳ درصد آن‌ها نیز، از سطح تحرک اجتماعی متوسطی برخوردار می‌باشند (جدول، ۱).

- میزان اعتماد به نفس زنان روستایی

هم‌چنین در راستای تعیین میزان توانمندی اجتماعی زنان نیز میزان اعتماد به نفس آن‌ها مورد بررسی قرار گرفت. به معنای داشتن احساس و میزان متکی بودن فرد نسبت به خود می‌باشد. نتایج حاکی از آن است که متغیرهای توانایی صحبت کردن با دیگران، افزایش اعتماد به نفس برای ابراز عقیده شخصی در جمع و احساس خوداتکایی از اولویت بالاتری برخوردارند و بیش‌ترین تاثیر را در

میزان اعتماد به نفس افراد مورد مطالعه داشتند. و در مقابل متغیرهای کمک به بهبود وضع آینده-ی خود و خانواده، احساس رضایت از خود و توانایی کمک موثر به اطرافیان در صورت بروز مشکل کمترین تاثیر را در میزان اعتماد به نفس شان داشتند؛ و در اولویت پایینی قرار گرفتند. در مجموع، حدود ۱۴/۹ درصد افراد مورد مطالعه، از اعتماد به نفس در حد خوب و عالی و حدود ۳۵/۴ درصد آن‌ها نیز، از سطح اعتماد به نفس متوسطی برخوردار می‌باشند. می‌توان گفت که بیش تر افراد مورد مطالعه از اعتماد به نفس در حد متوسطی برخوردار هستند (جدول، ۱).

جدول ۱- وضعیت شاخص‌های توانمندی اجتماعی زنان روستایی مورد مطالعه

وضعیت	درصد تجمعی	درصد	فراوانی	امتیاز متغیرها
ارتباطات اجتماعی				
ضعیف	۹/۹	۹/۹	۱۶	کمتر از ۱/۵۲
متوسط	۷۲/۷	۶۲/۷	۱۰۱	۱/۵۲ - ۲/۴۵
خوب	۸۹/۴	۱۶/۸	۲۷	۲/۴۵ - ۳/۳۸
عالی	۱۰۰	۱۰/۶	۱۷	بالاتر از ۳/۳۸
			۱۶۱	جمع
انحراف معیار: ۷/۲۶		میانگین: ۲۶/۴۹		
تحرك (آزادی در رفت و آمد)				
ضعیف	۱۵/۵	۱۵/۵	۲۵	کمتر از ۰/۷۹۸
متوسط	۴۲/۹	۲۷/۳	۴۴	۱/۰۰۰۹ ° ۰/۷۹۸
خوب	۸۳/۹	۴۱	۶۶	۱/۲۰۳ ° ۱/۰۰۰۹
عالی	۱۰۰	۱۶/۱	۲۶	بالاتر از ۱/۲۰۳
			۱۶۱	جمع
انحراف معیار: ۰/۲۰۲		میانگین: ۱/۰۰۰۹		
اعتماد به نفس				
ضعیف	۱۴/۹	۱۴/۹	۲۴	کمتر از ۲۵/۴۶
متوسط	۵۰/۳	۳۵/۴	۵۷	۲۵/۴۶ - ۳۰/۴۹
خوب	۸۲	۳۱/۷	۵۱	۳۰/۴۹ - ۳۵/۵۲
عالی	۱۰۰	۱۸	۲۹	بالاتر از ۳۵/۵۲
			۱۶۱	جمع
انحراف معیار: ۳/۵۹		میانگین: ۲۰/۴۳		

بنابراین با جمع این سه مولفه میزان ارتباطات و مشارکت اجتماعی، تحرك اجتماعی و اعتماد به نفس زنان؛ مشخص شد که میزان توانمندی اجتماعی ۱/۹ درصد زنان مورد مطالعه پایین، و ۳۴/۸ درصد در حد متوسطی و ۶۳/۳ درصد از سطح بالایی (زیاد و خیلی زیاد) برخوردارند (جدول، ۲). به عبارتی می‌توان گفت وضعیت توانمندی اجتماعی زنان روستایی مورد مطالعه در سطح بالایی است.

جدول ۲- وضعیت توانمندی اجتماعی زنان روستایی مورد مطالعه

وضعیت	درصد تجمعی	درصد	فراوانی	توانمندی اجتماعی
کم	۱/۹	۱/۹	۳	کمتر از ۴/۷۰۱
متوسط	۳۶/۶	۳۴/۸	۵۶	بین ۴/۷۰۱ - ۹/۱۶۰
زیاد	۴۹/۷	۱۳	۲۱	۹/۱۶۰ - ۱۳/۶۱۹
خیلی زیاد	۱۰۰	۵۰/۳	۸۱	بیشتر از ۱۳/۶۱۹
-	-	۱۰۰	۱۶۱	کل
بیشینه:	کمینه : ۳/۸۱	انحراف معیار:	میانگین:	
۲۲/۴۵		۴/۴۵۹	۹/۱۶۰	

نتایج روابط بین متغیرها

در این پژوهش در کنار فرضیه اصلی تحقیق رابطه بین برخی متغیرهای مربوط به ویژگی‌های افراد و کسب و کارهای آن‌ها با متغیر وابسته نیز بررسی شد. با توجه به ماهیت داده‌ها و مقیاس‌های اندازه‌گیری و سنجش متغیرها که رتبه‌ای بوده از آزمون کروسکال والیس و من‌ویتنی استفاده شده است.

جدول ۳- مقایسه میزان توانمندی اجتماعی بر حسب آزمون من‌ویتنی-کروسکال والیس

متغیر وابسته	متغیر گروه‌بندی	میانگین رتبه‌ای	مقدار آماره	سطح معنی‌داری
توانمندی اجتماعی	بله	۲۲۱۹	۳۲۵	۰/۰۰۰**
	خیر	۲۳۴۱		
توانمندی اجتماعی	زیر ۲۰ سال	۳۴/۳۳	۹/۲۹۴	۰/۰۵۴
	۲۱ تا ۳۰ سال	۵۸/۷۱		
	۳۱ تا ۴۰ سال	۴۸/۲۷		
	۴۱ تا ۵۰ سال	۴۸/۹۶		
	۵۱ سال به بالا	۲۲/۵۷		
تحصیلات				
توانمندی اجتماعی	فوق‌دیپلم و بالاتر	۵۵/۸۰	۱/۹۷	۰/۸۵۳
	خواندن و نوشتن	۵۰		
	دیپلم	۴۷/۹۷		
	ابتدایی	۴۳/۷۱		
	راهنمایی	۴۳/۵۰		
	بی‌سواد	۴۴/۳۱		

		وضعیت تاهل	
		مطلقه	۶۲/۹۱
توانمندی اجتماعی	۰/۲۱۳	بیوه	۶۰
		مجرد	۵۳
		متاهل	۴۵/۱۲
		نوع کسب و کار	
		کشاورزی	۷۱/۲۹
توانمندی اجتماعی	۰/۰۰۵**	خدماتی	۴۶/۰۵
		صنعتی	۴۵/۶۸
		دامی	۳۹/۰۹
		شغل همسر	
		دولتی	۵۲/۶۴
توانمندی اجتماعی	۰/۰۲۹*	آزاد	۳۶/۷۰
		کشاورز	۵۲/۲۳

** معنی داری در سطح یک درصد؛ * معنی داری در سطح پنج درصد؛

نتایج حاصل از مقایسه میانگین میزان توانمندی اجتماعی بین زنان روستایی بر حسب شرکت در کلاس‌های آموزشی، نشان می‌دهد که تفاوت معنی‌داری در بین میزان توانمندی اجتماعی زنان روستایی که در کلاس‌های آموزشی مرتبط با کسب و کار شرکت داشته‌اند، در سطح یک درصد وجود دارد ($Sig=0/000$)، مقدار آماره = ۳۲۵). بنابراین میزان توانمندی اجتماعی زنان، با احتمال ۹۹ درصد تحت تأثیر کلاس‌های آموزشی قرار دارد. با توجه به نتایج جدول، می‌توان نتیجه گرفت زنانی که در این کلاس‌های آموزشی شرکت کرده‌اند، از میزان توانمندی اجتماعی بالاتری برخوردار می‌باشند (جدول، ۳).

نتایج حاصل از مقایسه میانگین میزان توانمندی اجتماعی بین زنان روستایی بر حسب نوع کسب و کارشان، نشان می‌دهد که تفاوت معنی‌داری در بین میزان توانمندی اجتماعی زنان روستایی که در زمینه‌های متفاوت کسب و کار خانگی داشته‌اند، در سطح یک درصد وجود دارد ($Sig=0/005$)، مقدار آماره = ۱۲/۶۶۵). بنابراین میزان توانمندی اجتماعی زنان، با احتمال ۹۹ درصد تحت تأثیر نوع کسب و کار خانگی آن‌ها قرار دارد. با توجه به نتایج جدول، می‌توان نتیجه گرفت زنانی که دارای کسب و کارهای خانگی در زمینه کشاورزی هستند، از میزان توانمندی اجتماعی بالاتری برخوردار می‌باشند (جدول، ۳).

نتایج حاصل از مقایسه میانگین توانمندی اجتماعی بین زنان روستایی مورد مطالعه بر حسب شغل همسر آن‌ها، حاکی از این است که تفاوت معنی‌داری بین توانمندی اجتماعی زنان روستایی مورد مطالعه در سطح پنج درصد وجود دارد ($Sig=0/029$)، مقدار آماره = ۷/۰۶۱). با توجه به همین

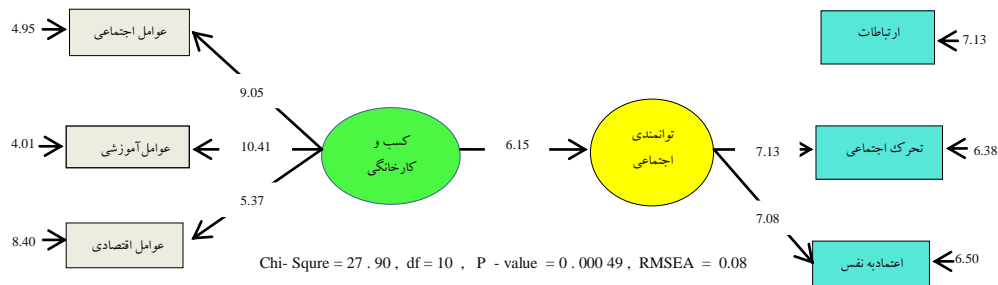
نتیجه‌گیری، بین زنان روستایی مورد مطالعه‌ای که همسرانشان دارای شغل دولتی هستند، نسبت به سایر زنان، از توانمندی اجتماعی بالاتری برخوردارند (جدول، ۳).

مدل‌سازی معادلات ساختاری برازش شده

در این مطالعه، بعد از بررسی نظریه‌های تحقیق و ارزیابی وضعیت مدل ساختاری اولیه توانمندی اجتماعی، عمده‌ترین متغیرهایی که می‌توانستند برای الگوسازی لیزرل مفید واقع شوند در مجموع ۲ متغیر نهفته، شامل یک متغیر نهفته درونی تحت عنوان توانمندی اجتماعی که تحت تاثیر یک متغیر نهفته بیرونی با عنوان راه‌اندازی کسب و کارخانگی قرار گرفته است. مندرجات جدول (۴) وضعیت برازش مدل ساختاری توانمندی اجتماعی را پس از اصلاحات نشان می‌دهد. شاخص‌های نیکویی برازش (GFI)، شاخص نیکویی برازش تعدیل‌یافته (AGFI)، شاخص برازندگی افزایشی (IFI)، شاخص برازندگی هنجاریافته (NFI) و شاخص برازندگی هنجاریافته (NNFI) همگی از ۰/۹۰ بیشتر هستند؛ پس مدل برازش عالی را نشان داده و مورد تایید است.

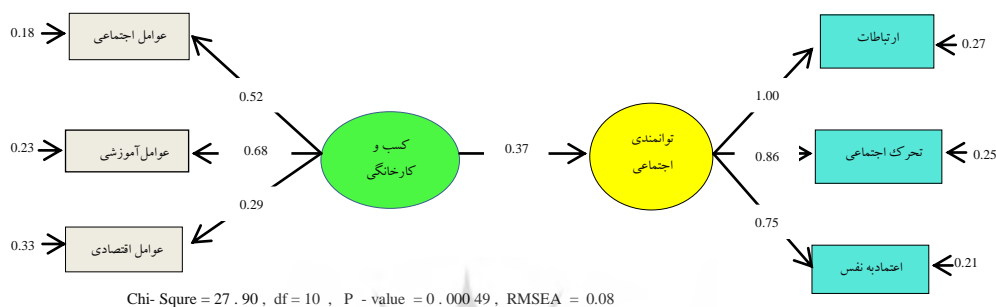
جدول ۴- شاخص‌های برازش برای مدل ساختاری تحقیق (اصلاح شده)

گروه‌بندی شاخص‌ها	شاخص	مقدار شاخص	برازش قابل قبول
شاخص‌های مطلق	X^2	۲۷/۹۰	بزرگتر از ۵ درصد
	GFI	۰/۹۵	درصد > ۹۰
	AGFI	۰/۹۰	درصد > ۹۰
شاخص‌های برازش تطبیقی	NNFI	۰/۹۰	درصد > ۹۰
	NFI	۰/۹۲	درصد > ۹۰
	CFI	۰/۹۴	درصد > ۹۰
	IFI	۰/۹۴	درصد > ۹۰
شاخص‌های د برازش مقتصد	PNFI	۰/۵۶	بالاتر از ۵۰ درصد
	RMSEA	۰/۰۸	درصد < ۱۰
	CMIN/df	۲/۷۹	مقدار بین ۱ تا ۳

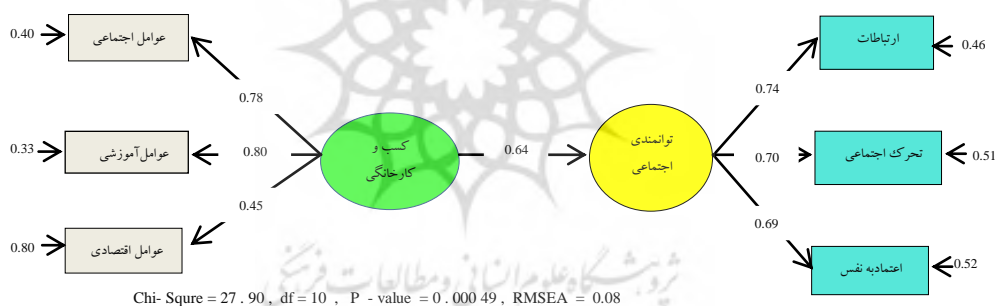


شکل ۲- ضرایب معنی‌داری مدل ساختاری توانمندسازی اجتماعی زنان روستایی

خروجی فوق قسمت معناداری ضرایب و پارامترهای بدست آمده مدل ساختاری تحقیق (توانمندی اجتماعی زنان مورد مطالعه) را نشان می‌دهد. چنانچه عدد معناداری بزرگتر از $1/96$ یا کوچکتر از $1/96$ - باشد رابطه موجود در مدل پژوهش معنادار خواهد بود. شکل ۲، نشان می‌دهد کلیه روابط معنادار بوده و تایید می‌شوند.



شکل ۳ - ضرایب غیر استاندارد مربوط به ساختاری توانمندسازی اجتماعی زنان روستایی



شکل ۴ - مدل ساختاری توانمندسازی اجتماعی در حالت استاندارد (اصلاح شده)

نتایج تخمین (قسمت زیرین شکل) حاکی از مناسب بودن مدل است. با توجه به خروجی لیزرل مقدار X^2 محاسبه شده برابر $27/90$ می‌باشد. پایین بودن میزان این شاخص نشان‌دهنده تفاوت اندک میان مدل مفهومی با داده‌های مشاهده شده تحقیق است. هم‌چنین مقدار جذر برآورد واریانس خطای (RMSEA) تقریباً برابر با $0/08$ می‌باشد. مشاهده می‌شود که این مقدار در حد مجاز است که نشان از خوبی برازش دارد؛ هر چه این مقدار کمتر باشد مدل دارای برازش بهتری است.

معادله ساختاری تحقیق تبیین‌کننده روابط بین متغیرهای مستقل مشهود و توانمندسازی زنان در سطح جامعه آماری مورد مطالعه می‌باشد. مدل معادلات ساختاری، ترکیبی از دو مدل عمومی و

اندازه‌گیری می‌باشد. این روش یکی دیگر از روش‌های تعیین ضرایب مسیر بین متغیرهای اتا (توانمندی اجتماعی) و کسای (کسب و کارخانگی) می‌باشد که در برگیرنده مدل اندازه‌گیری X و Y و مدل عمومی می‌باشد (شکل، ۳). همان‌طور که ملاحظه می‌شود در مدل اندازه‌گیری X روابط بین متغیر برون‌زا (کسب و کارخانگی) با متغیرهای مشاهده‌پذیر X (عوامل اجتماعی، عوامل آموزشی و عوامل اقتصادی) ترسیم می‌شود؛ در مدل اندازه‌گیری Y روابط بین متغیر درون‌زا (توانمندی اجتماعی) با متغیرهای مشاهده‌پذیر Y (شاخص‌های ارتباطات، تحرک اجتماعی و اعتمادبه نفس) ترسیم می‌شود و در مدل عمومی روابط بین متغیرهای مکنون درون‌زا (توانمندی اجتماعی) و برون‌زا (کسب و کارخانگی) نمایش داده می‌شود (Hoyle, 2012; Mueller, 2013).

مدل معادلات ساختاری تحقیق = مدل اندازه‌گیری Y + مدل اندازه‌گیری X + مدل عمومی جدول ۵، توضیحات بیش‌تر مربوط به متغیرهای مشهود و نامشهود، ضرائب استاندارد و تی ویو معادله ساختاری را نشان می‌دهد.

جدول ۵- متغیرها و ضرایب مدل ساختاری توانمندی اجتماعی زنان مورد مطالعه

متغیرهای نامشهود		توانمندسازی اجتماعی (مدل Y)				عامل‌های راه‌اندازی کسب و کار خانگی (مدل X)	
متغیر مشهود	ارتباطات اجتماعی	تحرک اجتماعی	اعتمادبه نفس	اجتماعی	آموزشی	اقتصادی	
T-Value	-	۷/۱۳**	۷/۰۸**	۹/۰۵**	۱۰/۴۱**	۵/۳۷**	
تایید/رد اثرات	تایید	تایید	تایید	تایید	تایید	تایید	
ضرایب اثرگذاری مستقیم (استاندارد)	۰/۷۴	۰/۷۰	۰/۶۹	۰/۷۸	۰/۸۰	۰/۴۵	

** معنی‌داری در سطح یک درصد

از مدل اندازه‌گیری ضرایب استاندارد شده می‌توان این برداشت را نمود که بین متغیرهای مکنون مربوطه و سوالات متناظر با آن‌ها، همبستگی معناداری وجود دارد. ضرایب استاندارد شده در واقع بیانگر ضرایب مسیر یا بارهای عاملی استاندارد شده بین عامل‌ها و نشانگرها می‌باشد. برای داشتن روایی باید بین سازه و بعد و بین بعد و شاخص، همبستگی معناداری وجود داشته باشد. در صورتی که رابطه بالاتر از ۰/۴۵ باشد؛ می‌توان گفت شاخص‌های موردنظر از قدرت تبیین خوبی برخوردار است. همان‌طور که ملاحظه می‌شود تمامی سوالات (شاخص‌ها) در نظر گرفته شده برای متغیرهای مدل (X و Y) دارای همبستگی بالای ۰/۴ می‌باشد و همه روابط بین متغیرهای مشهود با توانمندسازهای زنان مورد مطالعه، مورد تأیید قرار گرفته است. لذا، در استخراج معادله ساختاری لازم است همه روابط مورد تأیید وارد معادله شوند (جدول، ۵ و شکل، ۳ و ۴).

همانطور که از شکل ۲ و ۴، قابل استنباط است، تحلیل مسیر تاییدی پژوهش با توجه به عدد معناداری ۶/۱۵ مورد تایید قرار گرفته است و همچنین نشان می‌دهد که روابط موجود براساس نظریه‌های استخراج شده و داده‌های گردآوری شده از نمونه مورد بررسی در سطح معنی‌داری ۰/۰۵ درصد مثبت و معنادار می‌باشد. اثر علی کسب و کارخانگی بر توانمندی اجتماعی دارای ضریب مسیر ۰/۶۴ درصد است. مقدار R^2 نیز نشان داد که در کل مدل کسب و کارخانگی توانسته است ۴۰ درصد از واریانس توانمندی اجتماعی را تبیین کند. کمیت خطای مدل نیز ۰/۷۷ درصد می‌باشد که نشان‌دهنده مقدار واریانس متغیری است که متغیر کسب و کارخانگی مدل آن را تبیین نکرده است. با مجذور کمیت خطا (E) واریانس تبیین نشده بدست می‌آید که در این مدل ۰/۶۰ است به عبارت دیگر ۶۰ درصد از واریانس توانمندی اجتماعی را مدل تبیین نکرده است.

بحث و نتیجه گیری

با توجه به مباحث ارائه شده باید گفت که در دهه‌های اخیر، کسب و کارهای خانگی روستاییان در کشورهای در حال توسعه تنها به تامین مالی و تجهیز پس‌اندازها و سرمایه‌گذاری‌های روستاییان محدود نبوده، بلکه اثر گذار در ابعاد مختلف زندگی زنان روستایی است به این ترتیب زنان آسیب‌پذیر روستایی به دلایلی چند از عمده گروه‌های هدف و نخستین افرادی می‌باشند که به این‌گونه کسب و کارها گرایش دارند. این نوع کسب و کار با تامین مالی زنان نقش بسیار موثری در آگاهی، عزت و کرامت انسانی، احساس هویت و اعتماد به نفس، پویایی و تحرک، شادی و نشاط، احساس مسئولیت فردی و جمعی، رونق اقتصادی خانواده و جامعه، سرمایه‌گذاری، اشتغال، مشارکت، مبارزه با فقر و ... برای زنان در پی دارد. همان‌گونه که بیان شد، امروزه کسب و کار خانگی به عنوان ابزاری موثر برای تقویت بنیه اقتصادی و افزایش سطح توانمندی‌های فردی و اجتماعی شاغلین آن‌ها مورد توجه دولت‌ها قرار گرفته و بدون شک توسعه آن می‌تواند نقش موثری در کاهش نرخ بیکاری و افزایش فرصت‌های شغلی ایفا نماید. بر مبنای یافته‌های تحقیق می‌توان اشتغال زنان روستایی در کسب و کارهای خانگی را واجد ظرفیت‌ها و فرصتی برای توانمندی اجتماعی آنان دانست.

نتایج بدست آمده نشان داد که توانمندی اجتماعی اکثریت زنان مورد مطالعه در حد بالایی می‌باشد. نتایج پژوهش رانی‌موهانتی و همکاران (Rani Mohanty et al, 2013)؛ آگهی و همکاران (Agahi et al, 2012)؛ قلی‌پور و رحیمیان (Gholipour and Rahimian, 2009)، عرب‌مازار و سعدی (ArabMazar and Saadi, 2005)؛ رضوانی و همکاران (Rezvani et al, 2010)؛ صادقی (Sadeghi, 2001) و احمدی و همکاران (Ahmadi et al, 2009) نیز بیانگر تاثیر طرح‌های اشتغال و کسب و کار در توانمندی اجتماعی است؛ همخوانی داشت. این مطالعه نشان داد که تحصیلات با توانمندی اجتماعی زنان ارتباطی ندارد. با نتایج پژوهش مرادی (Moradi, 2010)

همخوانی داشت اما با نتایج مطالعات ساعی ارسی و ولی پور (Saey Arsy and Valipur, 2009) و امینی و احمدی شاپوراآبادی (Amini and Ahmadi Shapurabadi, 2007) که نشان دادند تحصیلات از عوامل موثر بر توانمندی می‌باشد؛ همخوانی نداشت. هم‌چنین نتایج نشان داد که شرکت در کلاس‌های آموزشی در میزان توانمندی اجتماعی زنان تاثیر دارد. با نتایج پژوهش سعدی و همکاران (Saadi et al, 2012)؛ هوکو و ایتوهارا (Hoque and Itohara, 2008) و علیائی و دهقان نیستانکی (Olyaey and Dehghan Neyestanaki, 2012) همخوانی داشت. براساس دیگر نتایج پژوهش، بین توانمندی اجتماعی زنان و وضعیت تاهل ارتباط معناداری وجود ندارد. نتایج پژوهش مرادی (Moradi, 2010) نیز نشان‌دهنده این است که وضعیت تاهل با توانمندی زنان مورد مطالعه ارتباط معنادار و قابل تاملی نداشته است. با وجود این بین توانمندی اجتماعی و اشتغال زنان در کسب و کارهای مختلف تفاوت معناداری وجود دارد. نتایج پژوهش امینی و احمدی شاپوراآبادی (Amini and Ahmadi Shapurabadi, 2007) نیز موید این مسئله است. هم‌چنین، یافته‌های تحقیق نشان داد که بین سن و میزان توانمندی اجتماعی زنان روستایی مورد مطالعه رابطه‌ای وجود ندارد. با نتایج پژوهش کتابی و همکاران (Ketabi et al, 2003)، شادی‌طلب و همکاران (Shaditalab et al, 2005) و امینی و احمدی شاپوراآبادی (Amini and Ahmadi Shapurabadi, 2007)؛ که حاکی از ارتباط بین سن و توانمندی را تایید می‌کنند؛ همخوانی نداشت.

همان‌گونه که قبلاً توضیح داده شد جهت آزمون فرضیه و برازش کلی مدل مفهومی اشاره شده در متن مقاله، از آزمون‌های برازش مدل که به کمک مدل‌سازی معادلات ساختاری تهیه شده است، به کارگیری شده است. آزمون‌های برازش مدل از تنوع زیادی برخوردار هستند که در این مقاله به آن‌ها اشاره شده است. با توجه به نتایج ارائه‌شده؛ آزمون‌های نیکویی برازش نشان‌دهنده آنکه مدل مفهومی توانمندسازی اجتماعی زنان روستایی مورد مطالعه از برازش لازم برخوردار بوده و در جامعه آماری تحقیق، صحیح به کار گرفته شده است. در مقایسه با تحقیقات انجام گرفته در گذشته، این تحقیق از لحاظ تحلیل‌های آماری به عنوان نخستین پژوهش‌ها می‌باشد. در این پژوهش ضمن بررسی راهکارهای توانمندسازی در زنان، مدل ارائه شده نیز مورد تست و آزمون قرار گرفته است. همان‌طور که اشاره گردید این مدل از برازش لازم برخوردار بوده است. هم‌چنین مدل معادله ساختاری حاصله از خروجی نرم‌افزار لیزرل، نیز در ادامه ارائه شده است. در شکل شماره ۲، ضرائب تی ولیو مربوط به روابط بین متغیرها و توانمندسازی زنان روستایی نشان داده شده است. در معادلات ساختاری، متغیرها دارای دو‌گونه روابط تبیین‌کنندگی برای متغیر اصلی مورد مطالعه (که در این تحقیق توانمندسازهای زنان روستایی مدنظر است) می‌باشند که عبارتند از: تاثیر مستقیم و غیر مستقیم. همان‌گونه که در نمودار تی ولیو، مشخص است همه متغیرها هم اثرات تبیینی

مستقیم بر شاخص توانمندسازی زنان مورد مطالعه دارند. نتایج پژوهش‌های رانی‌موهانتی و همکاران (Rani Mohanty et al, 2013)؛ آگهی و همکاران (Agahi et al, 2012)؛ قلی‌پور و رحیمیان (Gholipour and Rahimian, 2009)، عرب‌مازار و سعدی (ArabMazar and Saadi, 2005)؛ رضوانی و همکاران (Rezvani et al, 2010)؛ صادقی (Sadeghi, 2001) و احمدی و همکاران (Ahmadi et al, 2009) نیز نشان می‌دهد که اشتغال در میزان توانمندی اجتماعی بسیار موثر می‌باشد؛ اما در مقایسه‌ی پژوهش انجام گرفته با سایر پژوهش‌های عنوان شده در متن مقاله می‌توان بدین موارد اشاره نمود که در این تحقیق، ضمن ارائه یک مدل مفهومی، به تست و آزمون نمودن این مدل توسط جدیدترین نرم‌افزارهای آماری از قبیل لیزرل و هم‌چنین استفاده از مدل معادلات ساختاری برای تایید آزمون‌های انجام گرفته؛ استفاده شده است. شایان ذکر است در این تحقیق وزن هر یک از متغیرها به تفکیک و میزان تاثیرگذاری آن‌ها بر متغیر مکنون توانمندسازی اجتماعی ارائه شده است.

Refrence

Abraham, J. (2011). Measurement of social empowerment of farmers in SHGS: Evidence from India. *International NGO Journal*. 6(12): 255-261. [On line] Available on: <http://www.academicjournals.org/INGOJ>.

Agahi, Hossin, Myrak Zadh, Ali Asghr and Taqhy Bygy, Maasomeh. (2012). "Prioritization of factors affecting the development of rural women in domestic service". *Journal of Women and Society*, Vol Third, Issue Third, Autumn, pp. 181-201. (In persian)

Ahmadi, Nahal, Baghban, Iran and Fathy Zadh, Mryam Alsadat (2009), business home: The way toward women's Self-employment and entrepreneurial. Conference on the Role of Women in Development, Culture and Islamic civilization. Centre for Information and Statistics of Social and Cultural Council of Women. www.iranwomen.org. (In persian)

Alsop, R., Frost. M. and Jeremy. B. (2005). Empowerment in practice from analysis to implementation. *South Asia Environment and Social Unit*. World Bank, Washington, DC.

Amini, Amir Muzaffar and Ahmadi Shapurabadi, Mohammad Ali. (2007). Employment of rural women in the city of Isfahan Borkhar Meymeh and of Falavarjan And assess its impact on their economic self-reliance. *Women's Studies*, 5 (1), 91-65. (In persian)

Amyny Ykhdany, Maryam (2009), The role of Employment in the health of women heads of households. Proceedings of the Second Conference of the synergistic empowerment and female-headed households, Office of Women's Affairs, Tehran Municipality, pp. 40- 17. (In persian)

Anjezab, Behnaz, Frj Khda, Tahmineh and the Khoshbin, Aazam. (2003), " Women's employment and its impact on the mental health of the family. " Journal of Behavioral Sciences. Faculty Medical Sciences, Isfahan Province. First year. First issue. (In persian)

Arab Mazar, Abbas and Saadi, Heshmatollah. (2005). Agricultural Bank in support of the position of women in rural households. Journal of Agricultural Bank No. Taird. (In persian)

Champathes Rodsutti ,Michita. (2003)."Organizational diagnostic factors in family business: Case studies in Thailand". Emerald Group Publishing Limited. Volume 19 issue 2.

Croll, E. (1987). New peasant family forms in rural China. The Journal of Peasant Studies 14 (4), 469° 499 .development. (pp. 57° 68).

Dadvrkhany, Fzylh .(2006). Challenges of rural development and women's employment. Geographical Studies, No. 55, pp. 171 to 188. Rezaee, Zahra. (2001). Empowerment of women in the development process. Journal of Women and development. Department of Social and Cultural Research. Pp. 82-57. (In persian)

Ghasemi, Vahid. (2009). Forefront of the fashion equation Lsazy Ray structure. Tehran: Publication sociologists. (In persian)

Gholipour, Arian and Rahimian, Ashraf. (2009). Economic factors, cultural and educational empowerment of women heads of household. Quarterly Journal of Social Welfare. Eleventh year, No. 40, pp. 30-62. (In persian)

Gibson J. a and S. Olivia (2010). The Effect of Infrastructure Access and Quality on Non-Farm Enterprises in Rural Indonesia. World Development.

Hashemi, Hamed and Pvrामyn Zad, Saeedeh .(2011). Indicators and factors affecting business development and entrepreneurship for women in Iran (A Case Study of Gilan province). First International Conference on Management, Innovation and Entrepreneurship. Shiraz. January 31. (In persian)

Hoyle, R. H. (2012). Handbook of Structure Equation Modeling. New York: The guliford press.

Hoyle, Rick H. (1995). "The Structural Equation Modeling Approach: Basic Concepts and Fundamental Issues." Pp. 1-15 in Structural Equation Modeling: Concepts, Issues, and Applications, edited by R. H. Hoyle. London: Sage Publications.

Hoque, M. and Itohara, Y. (2008). Participation and decision making role of rural women in economic activities: A comparative study for members and nonmembers of the micro-credit organizations in Bangladesh Journal of Social Sciences 4(3): 229-236.

Hydry Sarban, Vakil .(2009). Role of knowledge Empowerment staff s Agricultural Jihad and farmers in agricultural development: The Case of Ardebil. Ph.d Geography and Rural Planning, doctor's Abdulareza Rokneddin Eftkjar i advice. Tarbiat Modarres University. (In persian)

Kabeer,N.,(2005). Gender Equality and Womwn's Empowerment:A Critical Analysis of the Third Millennium Development Goal. Gender and development, Vol. 13, No. 1, PP. 13-24.

Ketabi, Mahmoud, Yzdkhvasty, Behjat and Farrokhi Rastab, Zahra. (2003). Empower women to participate in development. Journal of women. Volume 1, Year 3 .shmarh 7, Autumn, 5- 30. (In persian)

Koeing, A. M.; Saifuddin, A.; Bazle, H. and Mozumder, KH. (2003). Women s Status and Domestic Violence in Rural Bangladesh Individual and Community Level Effects. Demography. Vol. 40, No. 2.

Kord, Bagher and Absy, Saeed .(2009). "Identify and describe the model of empowerment governmental organizations; A Case Study of Yazd". Management research. Year second, No. Tird, Spring, pp. 75-94. (In persian)

Kyem, P.A.K., (2004), "Power, Participation, and Inflexible Institutions: An Examination of the Challenges to Community Empowerment in Participatory GIS Applications", Cartographica, 38, No.3&4, March 2004,pp.5-17.

Larijani, Nargs and Shabannejad, Ismaeil. (2010). Evaluation of home-based businesses in expanding women's employment and entrepreneurship. First International Conference on Management, Innovation and Entrepreneurship. Shiraz. 2 Spnambr. (In persian)

Lee, C. K. (1995). Production politics and labour identities: Migrant workers in South China. In China Review 1995, ed. L. C. Kin, S. Pepper, and T. K. Yuen, pp. 151° 1528. The Chinese University Press, Hong Kong.

Magar, V. (2003). Empowerment Approaches To Gender-Based Violence: Women s Courts In Delhi Slums.

Mirzaei, Hossein, Ghaffari, Gholamreza and Karimi, Alireza. (2010). Empowerment, industrialization and its influencing factors (case study: rural city Qorveh). Rural Research. No. 4, Winter, pp. 99, 128. (In persian)

Mueller, R.O. (2013). Basic Principles of Structural Equation Modeling: an Introduction to LISREL and EQS. Washington: Spriner.

Moradi, Mohammad. (2010). Effects of Union programs on empowerment of rural women weaving Javanrood city: A case study of female carpet weavers villages: Safiabad, and Zlan Byshvsh. MSc Thesis, string Rural Development, Faculty Social Sciences, Tehran University. (In persian)

OLyaey, Mohammed Sadegh and Dehghan Neyestanak, Mehdi. (2012). Study of women's economic capabilities and their role Afshar carpet being involved in rural development, being involved in the case study villages city in the province of West Azerbaijan. Journal of Social development. Fifth year / First issue / winter. (In persian)

Rani Mohanty, Sandhya; Das, Bijaylaxmi and Trupti Moahanty (2013). Empowerment of Women in Rural Odisha through Microenterprises. IOSR Journal Of Humanities And Social Science (IOSR-JHSS) Volume 12, Issue 1 (May- Jun. 2013), PP 01-08.

Rezvani Mohammad Reza, Ramazanadeh Lsboey, Mehdi and Mohammad pvrjabry, Mortza. (2010). Analysis of Socio-economic impact of industrial areas in development of rural areas; Case study: Soliman Abad Industrial Area Tonekabon. Geography and development, No. 18, pp. 26-5. (In persian)

Saadi, Heshmatollah and Cham Cham, Jeirani. (2009). Rural women's socio-economic impact of small businesses in the province. (In persian)

Saadi, Heshmatollah, Shabanali Fami Hussein and Latif, Somayeh. (2012). Measuring the social and economic empowerment of rural women carpet weavers and factors affecting it (case study in Hamadan province). Women in Development and Politics , Volume 10, Number 2, Summer, pp. 126-107. (In persian)

Sadeghi, Ahmad. (2001). Rural Industries Economic Analysis of Mazandaran. Journal of Economic Research. First Year, No.1, pp.105-87. (In persian)

Saey arsy, Iraj and Valipur, Shahrbanoo. (2009). Factors affecting the empowerment of women to participate in social development (Case of Lorestan province). Behavioral Sciences, 1 (2): 101-67. (In persian)

Seddighi, Hassan and Rosta, Koroush. (2003). Factors influencing knowledge of sustainable farming corn growers samples of Fars province. Iranian Journal of Agricultural Sciences. Volume 34, Issue 4, 1382 (913-9124). (In persian)

Sen, Amartya (1999). Development as Freedom. New York: Knopf.

Shaditalab, Zhaleh, Wahhabi, and Vrmrzyar Masoumeh, Hassan. (2005). Income poverty is only one aspect of poverty in female-headed households. social welfare Quarterly, Issue 17, pp. 247- 227.

Shaditalab, Zhaleh. (2002). Social empowerment of women. Research Women. Third printing. No. 7. (In persian)

Sharma, Preeti and Kanta Varma, Shashi (2008). "Women Empowerment through Entrepreneurial Activities of Self Help Groups." Indian Res. J. Ext. Edu. 8 (1), January 2008.

Shojaei, Zahra. (2002). "Speeches, Proceedings of the Second Conference on Empowerment of Women", Center for Women's Participation, first printing. (In persian)

Tabatabaei Yahya-Abadi, Shahnaz and Hosseinian, Simin. (2005). Empowering female heads of families through group counseling, and job notification. Journal of Family Studies, First Year, No. 4, pp. 368- 359. (In persian)

Wilson, P.A.(1996). "Empowerment: Community Economic Development from the Inside Out". Urban Studies 33: 617-31.

World Bank. (2005). Rural women s development and empowerment project, India. Staff Appraisal Report 16031-IN. South Asia Environment and Social Unit, World Bank, Washington, DC.

Zahedi, Shams Sadat. (2007). Women and Development. Office of Cultural Studies. P 33. (In persian)

Zmany Myandshty, Nasser, Atai, Poria and Izadi, Nasim. (2012). Reviews the levels of empowerment among the rural women's cooperative (case study: Women's Cooperative Tfyhan city of Shiraz). Women in Development and Policy, Volume 10, Number 4, Winter 1391: 172- 153. (In persian)



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی